

از شادروان دستور رستم خدامراد اسفندیار روانیان (۱۳۰۸ - ۱۳۸۲ش) دستنویس گران‌بهای اوستایی به ارث به یادگار مانده است و اینک بانو پوران‌دخت روانیان (خسروی) و فرزندشان، سرکار خانم پریمرز روانیان (نیکنام) و همسر ایشان آقای موید کورش نیکنام، از روی لطف آن را برای بازبینی در اختیار نگارنده نهاده‌اند.

این دستنویس ۳۰۷ برگ با ابعاد ۳۶×۲۳/۵ سانتی‌متر دارد. متن اصلی آن با مرکب سیاه و به خط اوستایی (دین‌دبیره) و به زبان اوستایی است. دستور برای طرز و شیوه سراییدن اوستا در مراسم یَزشَن (= yazeshn) با جوهر قرمز و به خط و زبان پهلوی در سراسر دستنویس نوشته شده است. برخی از برگ‌های کتاب را مرمت و نونویسی کرده‌اند. ابعاد نوشته در هر صفحه ۳۱×۱۸ سانتی‌متر و هر صفحه اغلب دارای ۲۱ سطر (بخش نونگاشته ۲۳ سطر) است.

این کتاب را بنا بر سنت و عادت به نام «وندیداد» می‌خوانند. اما دستنویس به قول کاتب «یَشت، ویسپرد، جُددیواد با نیرنگ، رسته یَزشَنی» (یادگارنامه دستنویس، بند یک و بند ۱۴: دنباله همین مقاله) است. این نام عیناً همان است که در یادگارنامه‌های (= انجامه) اوستا ۹۷۶ (محفوظ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ش ۱۱۲۶۳) و وندیداد محفوظ در آستان قدس رضوی (ش ۲۶۲۸۸) دیده می‌شود و اینها همه از یک «رسته» و گروه‌اند. این رسته اوستا به‌ویژه برای خواندن در آیین کهن و دیرینه سالِ یَزشَن (پهلوی: yazišn) به کار می‌آمده است

وندیداد دستور روانیان (اوستا ۱۰۰۱)

(کتابت: ۱۰۰۱ یزدگردی / ۱۰۱۱ خورشیدی)

کتایون مزداپور*

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

چکیده: مقاله حاضر به معرفی دستنویسی از وندیداد متعلق به موید رستم خدامراد روانیان (۱۳۰۸-۱۳۸۲ش) می‌پردازد. کاتب، این دستنویس را «یَشت، ویسپرد، جددیواد با نیرنگ، رسته یَزشَنی» نامیده است. این نام در انجامه (یادگارنامه) نسخه اوستا ۹۷۶، محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ش ۱۱۲۶۳)، و وندیداد محفوظ در آستان قدس رضوی (ش ۲۶۲۸۸) نیز آمده است و این دستنویس‌ها همه از یک رسته‌اند. این رسته اوستا به‌ویژه برای خواندن در آیین کهن یَزشَن به کار می‌رفته است و در آن بخش‌های مختلف یسنا، ویسپرد و وندیداد با نظمی خاص در ترکیب و تلفیق با یکدیگر قرار می‌گرفته است.

در این نسخه به پیروی از سنتی که در کتابت اوستای «رسته یَزشَنی» معمول بوده، دو انجامه با دو تاریخ نگارش نوشته شده است: یکی در نیمه نخستین نسخه در ۱۰۰۱ یز / ۱۰۱۱ش و یکی در پایان آن در ۱۰۰۲ یز / ۱۰۱۲ش. کاتب نسخه فریدون پسر گوبدشاه پسر رستم پسر فریدون پسر گوبدشاه پسر بُندار پسر شهرمدان پسر دینیار است و مؤلف امکان خویشاوندی این کس را با فریدون مرزبان و بهرام مرزبان، دو برادری که کاتب اوستای ۹۷۶ و وندیداد آستان قدس رضوی‌اند، بررسی می‌کند و از بازخوانی یادگارنامه‌های این سه دستنویس نتیجه می‌گیرد که نسخه مادر آنها مستقیماً یکی نیست. پسران مرزبان فریدون از نسخه واحدی متعلق به خاندان خویش رونویسی کرده‌اند و فریدون گوبدشاه از نسخه مادر دیگری برای دستنویس خود نام می‌برد. این دستنویس برای شخصی توانگر یا مقتدر به نام اردشیر پسر مهرآبان فره (؟) سیاوش نوشته شده است.

کلید واژه: رستم خدامراد روانیان (۱۳۰۸-۱۳۸۲ش)؛ فریدون گوبدشاه؛ فریدون مرزبان؛ بهرام مرزبان؛ اردشیر پسر مهرآبان فره سیاوش؛ نسخه‌های خطی اوستا؛ کتابت اوستا؛ اوستای رسته یَزشَنی؛ آیین یَزشَن؛ وندیداد؛ انجامه (یادگارنامه).

* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی؛ استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کتابخانه بهارستان: با سپاس فراوان از خانواده محترم نیکنام که نسخه را برای بررسی و تصویربرداری در اختیار دفتر مجله قرار دادند.

۱ نک: جهانپور، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷.

و در حقیقت بقای بخش بزرگی از کتاب مقدس ایرانی را باید مدیون آن شمرد. البته در این نام‌گذاری، منظور از «یشت» کاربرد سنتی و قدیمی این واژه و نیایش در معنای عام است و بر آن بخش از اوستا بیشتر اطلاق می‌شده است که امروزه آن را با نام «یسنا» می‌شناسیم.^۲

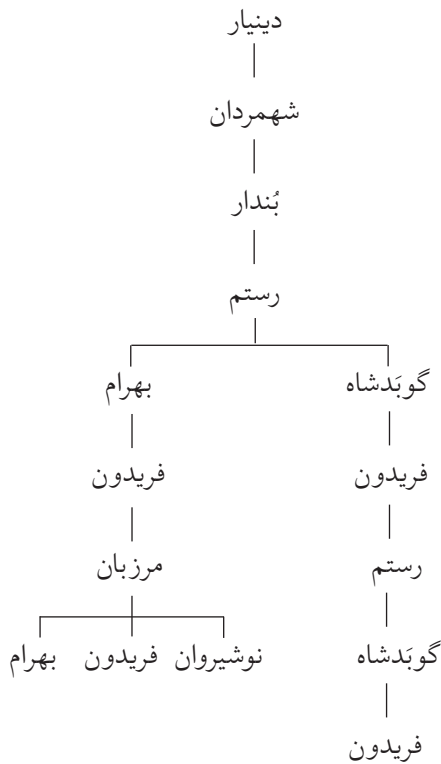
تاریخ کتابت این دستنویس اصیل به طرزی شگفت‌سالم و خوانا مانده است و در کنار ناخوانایی و ریختگی کاغذ پیرامون می‌توان آن را بازیافت: نگارش نیمه نخستین کتاب (پشت برگ ۱۶۶، سطر ۲۰) در روزدی‌بآذر از ماه بهمن سال ۱۰۰۱ یزدگردی (۱۰۱۱ خورشیدی) و نیمه دوم، یعنی کل کتاب (روی برگ ۳۰۰، سطر ۱۰) در سال ۱۰۰۲ یزدگردی (۱۰۱۲ خورشیدی) به پایان رسیده است. نام روز و ماهی که در آن نگارش دستنویس اتمام یافته است بر جای نیست و دچار ریزش شده است، اما هر دو تاریخ سال را به روشنی می‌توان خواند. به بیان دیگر، نگارش کتاب در سال ۱۰۰۱ یزدگردی (احتمالاً در پاییز یا سَر زمستان) و یا شاید پیش از آن، آغاز شده و در سال ۱۰۰۲ یزدگردی به پایان رسیده است. در شرایط عادی، نگارش کتابی از این دست در حدود دو ماه و نیم تا سه ماه وقت می‌گرفته است و این را در مورد وندیداد فریدون مرزبان (اوستا ۹۷۶) می‌دانیم.^۳ نیز تاریخ کتابت اوستا ۱۰۰۱ را می‌باید در انطباق با بند ۵ یادگارنامه (نک: ادامه مقاله)، تاریخ یزدگردی دانست و نه بنا بر ضبط سطر دهم از روی برگ ۳۰۰ در دومین یادگارنامه، فرسی و مجوسی.^۴

دوگانه بودن و دو بار آمدن تاریخ نگارش دستنویس به پیروی از سنتی است که در کتابت اوستای «رسته‌یژشنی» معمول بوده است. در این مجموعه‌های بزرگ، بنابر چند نسخه‌ای که از دوران صفویه و قاجاریه در دست است، دو یادگارنامه برای کتاب می‌نوشتند: یکی در نیمه کتاب و دیگری در پایان آن. بدین شمار که در نگارش، و طبعاً در تلاوت و خواندن اوستا در آیین یژشن و بنابر این «رسته» کتاب‌ها، ترتیب معینی رعایت می‌شده است، و بخش‌های مختلف یسنا و ویسپرد و وندیداد^۵ با نظمی خاص، در ترکیب و تلفیق با یکدیگر قرار می‌گرفته است. تهیه نوشابه هوم و قربانی کردن هم بخشی بوده است از این آیین. در اجرای این آداب، دستورهایی نیز در دستنویس‌ها آمده است که آنها را «نیرنگ» می‌نامند. یادگارنامه نخستین کمابیش در نیمه دستنویس نگارش یافته و جای آن پس

از پایان هفت هات، یعنی یسن ۴۲ است. پس از یادگارنامه میانین، فرگرد نهم وندیداد آغاز می‌گردد. به همین روال است که افزون بر تاریخ کتابت اوستا ۱۰۰۱، نام کاتب نیز دو بار (بندهای ۲ و ۱۵) آمده است:

«من، دین بنده، فریدون [پسر] گوبدشاه [پسر] رستم [پسر] فریدون [پسر] گوبدشاه [پسر] بُندار [پسر] شهردان [پسر] دینیار».

سنجیدن این نام‌ها با نام دو برادری که کاتب اوستا ۹۷۶ و بخش اصلی وندیداد آستان قدس رضوی‌اند، یعنی فریدون مرزبان و بهرام مرزبان، پرتوی بر نسبت خویشاوندی کاتبان می‌افکند و جدول زیر را به دست می‌دهد:



به رغم داشتن نیاکان مشترک، بازخوانی یادگارنامه‌های اوستا ۱۰۰۱ نشان می‌دهد که نسخه مادر این دستنویس‌ها، بهر گم، مستقیماً یکی نیست. طبعاً می‌شود پنداشت که پسران مرزبان فریدون، یعنی فریدون و بهرام، از نسخه واحدی متعلق به خاندان خویش رونویسی کرده‌اند و بهرام در یادگارنامه وندیداد آستان قدس بر روی برگ ۱۵۹، سطرهای یکم و دوم، آن نسخه را «دفتر خویش و پدر خویش» می‌خواند. اما کاتب اوستای شادروان دستور روانیان از

^۳ مزدایور، پیشگفتار چاپ عکسی نسخه (زیر چاپ).

^۵ نک: تفضلی، ۱۳۷۶: ۳۵ - ۶۲.

^۲ نک: مزدایور، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷.

^۴ نک: مزدایور، ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷.

رستم» (بند ۱۲). چنین پایمردی و وساطتی را در یادگارنامه اوستا ۹۷۶ نیز می‌بینیم و در آنجا (بند ۱۱ یادگارنامه) هم کاتب، کتاب «جُددیوداد را از دستوری» موبد بسیار محترمی به نام «آذربادِ ماوندادِ هوشنگِ سیاوخش» نوشته است.

برای آشنایی بیشتر، ترجمه بخشی از یادگارنامه‌های اوستا ۱۰۰۱ را در زیر می‌آورَد. گذشت که بر خلاف پوشیده و ناپدید گشتن شماره‌گذاری اغلب برگ‌های این دستنویس به هنگام مرمت، شماره برگ‌هایی که یادگارنامه یکم بر آنها نوشته شده است، بر جای است: این دو یادگارنامه، یکی بر پشت برگ ۱۶۶ و روی برگ ۱۶۷ (بندهای یک تا ۱۳) آمده است؛ و اما شماره برگ در یادگارنامه دوم، یعنی از بند ۱۴ به بعد، افتاده و بر مبنای شمارش برگ‌ها، بر پشت برگ ۲۹۹ و روی برگ ۳۰۰ نگاشته شده است:

یادگارنامه یکم (گ ۱۶۶ پ ۱۶۷):

(بند ۱) فرجام یافت با درود [و] شادی و رامش، به اقبال نیک [و] مروای خوب، [در] روزگار خجسته، اوستای یشت [و] ویسپرد [و] جُددیوداد، با نیرنگ، رسته یزشنی. (۲) من، دین‌بنده^۶ فریدون گوئدشاه رستم فریدون گوئدشاه رستم بُندارِ شهرمدانِ دینبار، نوشتم از بهر خویشی [و تعلق و مالکیت] همواره پیروزگر، اردشیر مهرآبان فرّه (۳) سیاوش (۳) نوشتم که تا یکصد و پنجاه سالان [آن را] کار به پارسیایی [و] یزشن فرماید^۷ [و] پس از یکصد و پنجاه سالان به فرزندان فرزند نیکنام [و] دین‌بُردار سپارد. (۴) هر که خواناد یا آموزاد یا پچین [و نسخه برداری] از آن کُناد، یا یزشن بدو کُناد [و] ما را به نیکنامی یاد کُناد، پس در گیتی [و] تن نیکنام و او را در مینو روان اشو [و بهشتی] باد! (۵) به فرخی [و] پیروزی [در] روز دی باذر از ماه بهمن، سال بر^۸ هزار [و] یک یزدگرد شاهان شاه، نوّه خدایگان فقید^۹ (۶)، خسرو شاهان شاه.

نسخه یا پچین مادر دیگری برای دستنویس خود نام می‌بَرَد: «نوشتم و فرّاز هشتم از پچین و دفتر شهریار اردشیر ایرج رستم ایرج قباد».

به نظر می‌رسد که این نسخه مادر متعلق به خاندان دیگری است، چنان که یادگارنامه‌های اوستا ۱۰۰۱ نیز با آن دو تای دیگر اختلافی نمایان دارد: دو برادر در یادگارنامه، هم خط و زبان پهلوی را به کار برده‌اند و هم شعر فارسی را. بر خلاف این شیوه که در وندیداد اتابک (مورخ ۱۰۰۸ یزدگردی)^۶ نیز دیده می‌شود، وندیداد روانیان فقط یادگارنامه را به پهلوی نوشته است و شعر فارسی ندارد. در وندیداد زمرد خسروخاتون (کتابخانه مجلس، مورخ ۱۲۴۰ یزدگردی، ش ۱۵۲۸۳) یادگارنامه فقط به شعر فارسی است.

اوستا ۱۰۰۱ چندان به مرمت و سالم‌سازی فوری نیازمند است که ورق زدن و بررسی دقیق‌تر آن خلاف شرط احتیاط است و می‌تواند این گنجینه بی‌بها را از هم بپاشد و بر بادش دهد. پیش از این نیز کتاب مرمت شده است: پس از هشت برگ نخستین دستنویس، که بر آنها تا صفحه شانزده با مداد شماره‌گذاری کرده‌اند، متن قدیمی تر شروع می‌شود و این هشت برگ آغازین جدیدتر است. اما از صفحه هفده به بعد شماره‌گذاری اولیه برگ‌ها اغلب پوشانده شده و از میان رفته است. به همین دلیل ناگزیر می‌باید به شمارش برگ‌های کتاب پرداخت. از این راه است که می‌توان گفت این دستنویس ۳۰۷ برگ دارد. با وجود این، شماره برگ‌هایی که یادگارنامه یکم در نیمه دستنویس بر آنها نوشته شده، بازمانده است: برگ‌های ۱۶۶ و ۱۶۷.

با همه تردی و شکنندگی کاغذ، می‌شود خواند که این وندیداد نیز همانند با اوستا ۹۷۶ و وندیداد آستان قدس، به اصطلاح «به خشنومن سروش»^۷ است. نیز از یادگارنامه‌ها برمی‌آید که این «پچین» را فریدون گوئدشاه برای شخصی توانگر یا مقتدر به نام اردشیر پسر مهرآبان فرّه (۳) سیاوش (بند ۲ و ۱۶) نوشته است و ظاهراً با وساطت و «به دستوری» کسی به نام «منوچهر پسر

۶ نک: مزدپور، ۱۳۸۱.

۷ این اصطلاحی است آیینی و اختصاص مراسم را به ایزد سروش می‌رساند و یکی از چهار شیوه تلاوت اوستا است.

۸ واژه‌های دورن نشانه قلاب هنگام ترجمه بر متن پهلوی افزوده شده است. تقطیع و شماره‌گذاری بندها به منظور سهولت ارجاع انجام شد.

۹ «دین‌بنده» یعنی: بنده دین، خدمتگزار دین، موبد و هیربَد.

۱۰ «کار فرمودن» به معنای: به کار بردن، استفاده کردن نیز هست.

۱۱ واژه bar فارسی با دین دبیره یا خط اوستایی نگاشته شده است.

۱۲ متن: bay öy، که شاید تصحیفی از öy bay باشد، یعنی «علی‌حضرت فقید، شاه پیشین». صورت اصلی را به شکل «... خدایگان، حضرت...» می‌شود معنی کرد.

گ / ۱۶۷ر / (۶) «راه یکی است که راستی است»^{۱۳}:
 یک است راه [که] اشویی [است و] دیگر همه بیراهی.
 (۷) «شادمنش و بهشتی روان»: شاد آن تن که [نیکی]
 ورزید روان خویش را. (۸) [باشد که] هرچه زودتر
 دستور مینوی، چهرومیان گشتاسبان^{۱۴} برسد؛ دین را روا
 [کند و رواج دهد] و دین‌برداران را [و] نیکان را از دین
 نیکی رساد [و] هر کس را به کامه خویش توان باد
 زیستن. (۹) «نه چیزی [از سود و شادی] یافت آن که نه
 روان را [بهره و شادی یافت، پس] نه چیزی را یابنده
 بود»^{۱۵}: نه چیزی [و بهره‌ای] گرفت هر که نه [بهره] برای
 روان گرفت؛ تا (= پس) اینک نیز نه چیز [و بهره‌ای]
 گیرد، آن که نه روان را [شادی و پاداشی] گیرد! (۱۰) «نیز
 نه ایدر، ای زرتشت! سودی اندر است مردمان را»^{۱۶}:
 پس او را از دیوان سود نباشد، [ای] اسپیتمان زرتشت، و
 نیز نه از آن مردم بد؛ چه، اگرشان در آغاز سود باشد، پس
 آنان را [در] پایان زیان باشد! (۱۱) ایدون باد!

(۱۲) من این دفتر را از دستوری منوچهر رستم [و] هم پدر
 (۹) خویش از همپرسگی [و مشاورت] پدر خویش
 نوشتم که آنان را روان‌گر زمانی [و بهشتی] باد! (۱۳)
 ایدون باد، ایدون‌تر نیز [باد]، به کامه ایزدان و
 امشاسپندان باد!
 یادگار نامه دوم (گ ۲۹۹ پ ۳۰۰ ر):

(۱۴) فرجام یافت با درود و شادی و فرخی و رامش،
 به اقبال نیک [و مروای خوب، در] روزگار خجسته،
 اوستای یشت و ویسپرد [و] جددیوداد با نیرنگ، رسته
 یزشنی! (۱۵) من، دین‌بنده، فریدون گوبدشاه رستم
 فریدون گوبدشاه رستم بُندار شهردان دینیار، نوشتم و
 فراز هشتم از پچین (= نسخه) و دفتر شهریار اردشیر ایرج
 رستم ایرج قباد. (۱۶) نوشتم [و] فراز هشتم اندر، از (۹)
 خویشی [و تعلق به] همیشه پیروزگر، اردشیر مهرآبان
 اردشیر / گ ۳۰۰ ر، سطر ۹ / ۱۷... به فرخی / سطر ۱۰ /
 نو[شتم ... سال] بر هزار و دو پس از بیست خدایگان^{۱۸}

فقید^{۱۹} (۹) یزدگرد شاهان ... هرزدان ...
 (۱۷) به کامه یزدان ... بادا!

هنگام سنجیدن یادگارنامه اوستا ۱۰۰۱ با یادگارنامه‌های
 دستنویس‌های قدیمی دیگر، می‌بینیم که گذشته از
 اختصاصاتی مانند نام و مشخصات کسی که کتاب را برای
 او نوشته‌اند و یا مناسبت نگارش آن، مضامین و
 جمله‌هایی مشابه در آنها می‌آید. این شباهت چنان است
 که افتادگی و ریزش برخی از جمله‌ها و واژه‌ها را در یکی،
 با یاری جستن از دیگری می‌توان حدس زد. همچنین در
 آنها زبان پهلوی نیز با صورتی تحوّل یافته^{۲۰} پدیدار می‌آید.
 افزون بر اینها، در یادگارنامه‌های اوستا ۱۰۰۱، نام «اردشیر»
 با تلفظ دری زرتشتی (گوش بهدینان) کنونی در یزد و
 کرمان نوشته شده است که نظیر این ویژگی را در دیگر
 دستنویس‌ها نیز می‌بینیم و باید آن را گواهی دیگر بر تأثیر
 گوش بر کتابت یادگارنامه‌های این رسته از دستنویس‌ها
 دانست.

* * *

معرفی کردن وندیدادشادروان موبد رستم خدامرادروانان
 امید می‌رود که دو پیامد داشته باشد: نخستین آنها مرمت
 و حفاظت فوری این دستنویس است که ان‌شاءالله به
 چاپ عکسی و انتشار آن بیانجامد و به دست پژوهشگران
 برسد. دومین آنها جلب کردن توجه همگان مردم به
 بازیابی نظایر این دستنویس است. دارندگان این چنین
 کتاب‌هایی باید از ارزش آنها به خوبی آگاه باشند و به
 جایگاه و ارج فرهنگی این گوهرهای کمیاب پی ببرند. با
 شناختن اهمیت والای آنها در فرهنگ جامعه ما و تاریخ
 فرهنگی جهان، متوجه خواهیم بود که شیوه درست
 بهره‌گیری از آنها محافظت دستنویس است با روش‌های
 نوین و سپس سپردن به دست پژوهندگان با انتشار دادن آنها.
 بنیاد دستنویس‌های کهن توانسته است در این راه گام‌هایی
 پُر امید بردارد و یافتن اوستا ۱۰۰۱ یکی از این چند است.

^{۱۳} واژه‌های درون گیومه اوستایی است و پس از آن ترجمه و تفسیر پهلوی آنها می‌آید.

^{۱۴} چهرومیان لقب پشوتن پسر گشتاسب است که زنده است و یکی از موعودهای زرتشتی است (بررسی دستنویس م. او، ۲۹، ۱۳۷۸: ۳۹۲، ۴۳۵).

^{۱۵} بارتمه، ۱۳۸۳: ستون ۱۷۹۵. همان: ستون ۱۸۵۱.

^{۱۶} بریدگی در کاغذ بخشی از یادگارنامه را از میان برده است؛ گرچه می‌توان آن را بازسازی کرد، در اینجا فقط آنچه که به تاریخ نگارش بازمی‌گردد، آورده شده است.

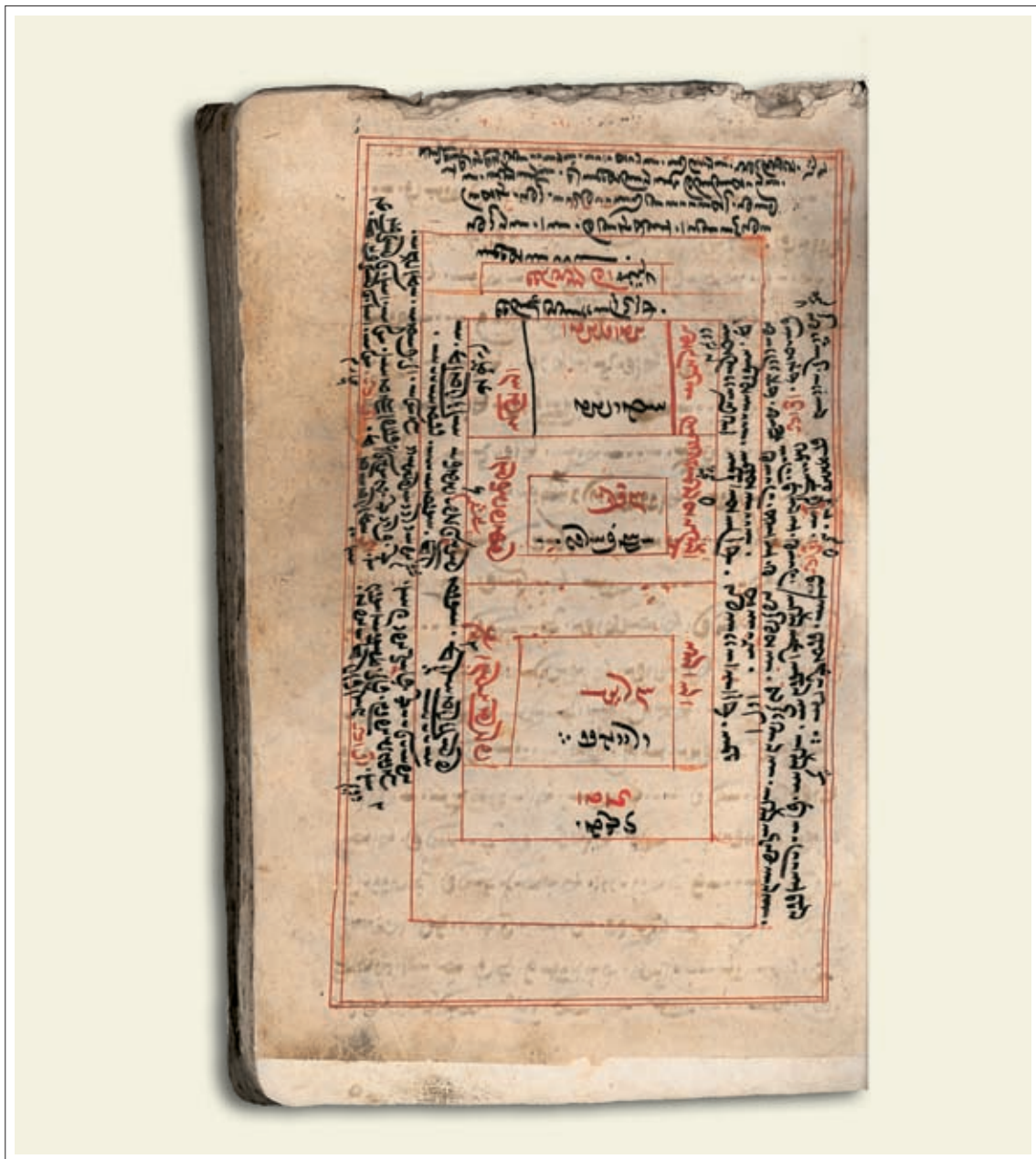
^{۱۸} این تاریخ در واژه‌نگاری، تاریخ مشهور به مجوسی و فرسی و پارسی است که سرآغاز آن کشته شدن یزدگرد سوم ساسانی است. اما دقت بیشتر روشن می‌کند که این طرز نگارش تاریخ فقط سنتی کتابتی در ضبط تاریخ است و دستنویس‌های اوستا و پهلوی، بهرکم در این قرون و در این حدود جغرافیایی، با این شیوه تاریخ‌گذاری همان تاریخ یزدگردی را منظور می‌داشتند که با سلطنت یزدگرد سوم آغاز می‌گردد (نک: مرداپور، ۱۳۸۷-۱۳۸۸).

^{۱۹} نک: پانویس شماره ۱۲. نک: مرداپور، ۱۳۸۷.

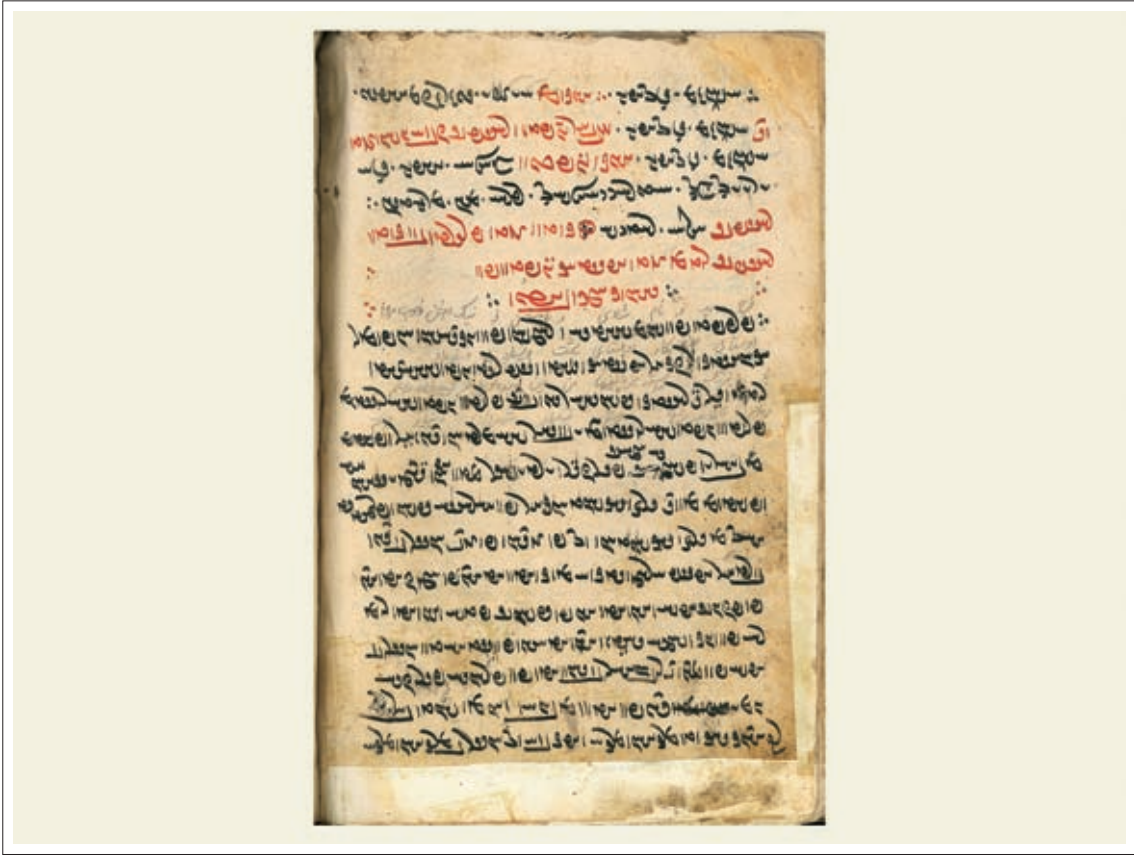
^{۲۰}

کتابنامه

- اوستا ۹۷۶. وندیداد به خط فریدون مرزبان. نسخه خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ش ۱۱۲۶۳.
- بارتلمه، کریستیان (۱۳۸۳). فرهنگ ایرانی باستان. افست ۱۹۰۴. تهران: اساطیر، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- جهانپور، فاطمه (۱۳۸۶ – ۱۳۸۷). «وندیداد آستان قدس». نامه بهارستان، س ۸ – ۹، دفتر ۱۳ – ۱۴: ۳۸۹ – ۴۰۰.
- دستنویس م. او. ۲۹ (۱۳۷۸). گزارش کتابیون مزداپور. تهران: آگه.
- مزداپور، کتابیون (۱۳۸۱). «نویافته‌های کهنسال». جهان کتاب، س ۷ (خرداد ماه)، ش ۱۵۱ – ۱۵۲ (۷ و ۸): ۱۰ – ۱۲.
- (۱۳۸۶ – ۱۳۸۷). یادداشت درباره وندیداد فریدون مرزبان. نامه بهارستان، س ۸ – ۹، دفتر ۱۳ – ۱۴: ۵۲۷ – ۵۲۸.
- (۱۳۸۷). «خرده اوستا در نگارش‌های نوین». در: جرعه بر خاک (یادنامه استاد یحیی ماهیار نوابی). به کوشش محمود جعفری دهقی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۹۹ – ۱۱۴.
- وندیداد آستان قدس رضوی. نسخه خطی، کتابخانه آستانه قدس رضوی، ش ۲۶۲۸۸.



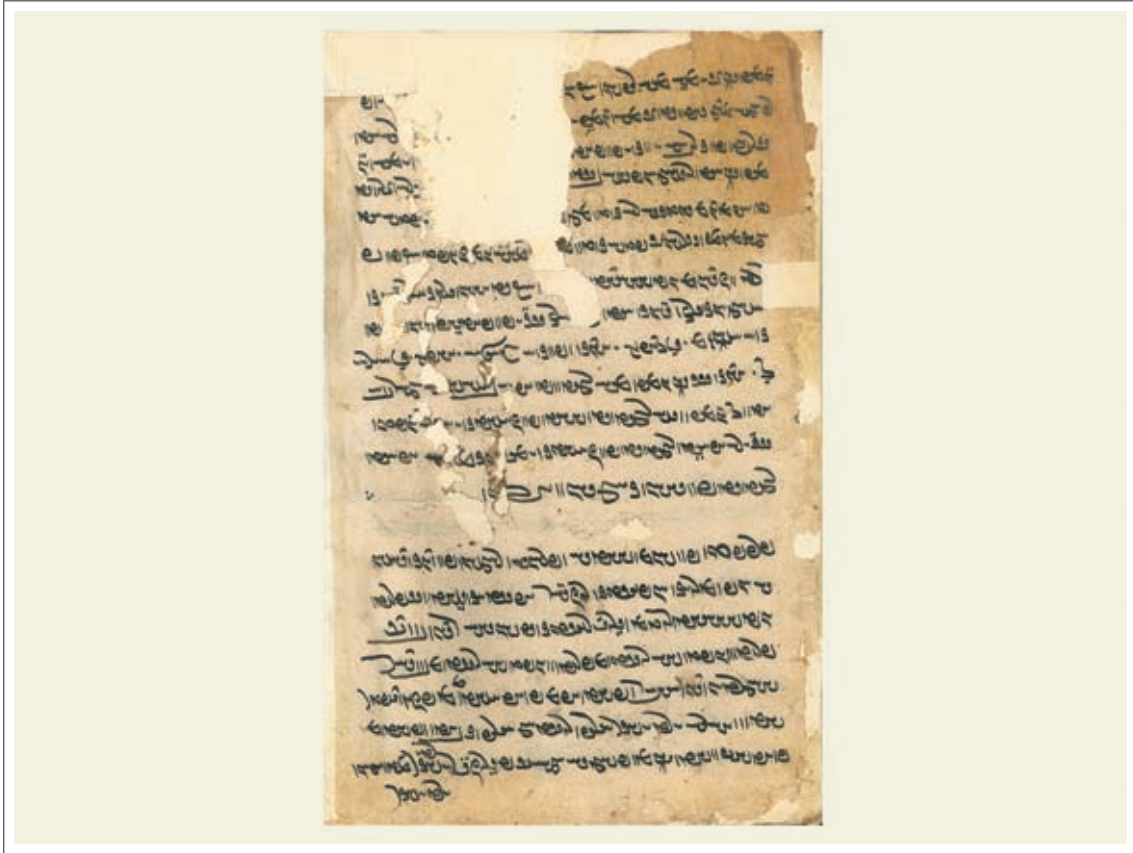
■ یزشنگاه و جایگاه هر یک از هشت یزشنگر هنگام برگزاری آیین یزشن، گ ۲۷ ر.



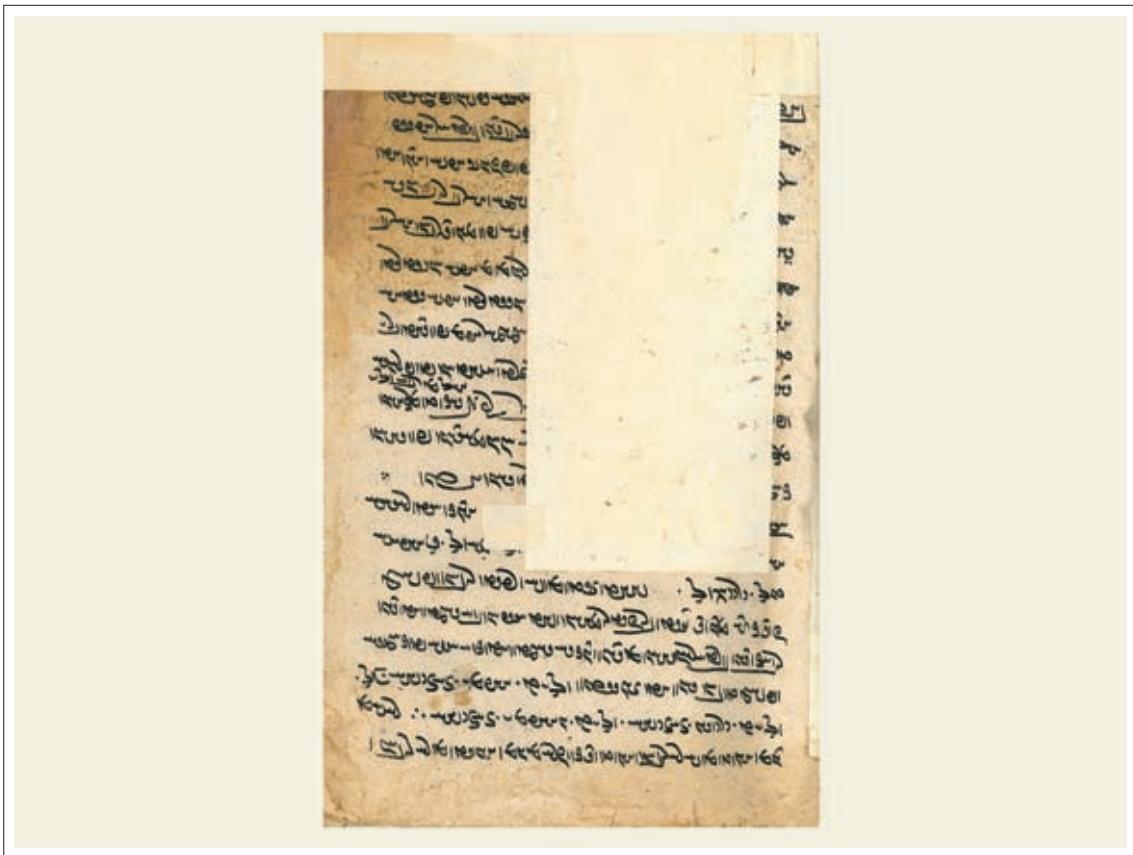
صفحة نخست یادگارنامه اول نسخه، گ ۱۶۶پ.



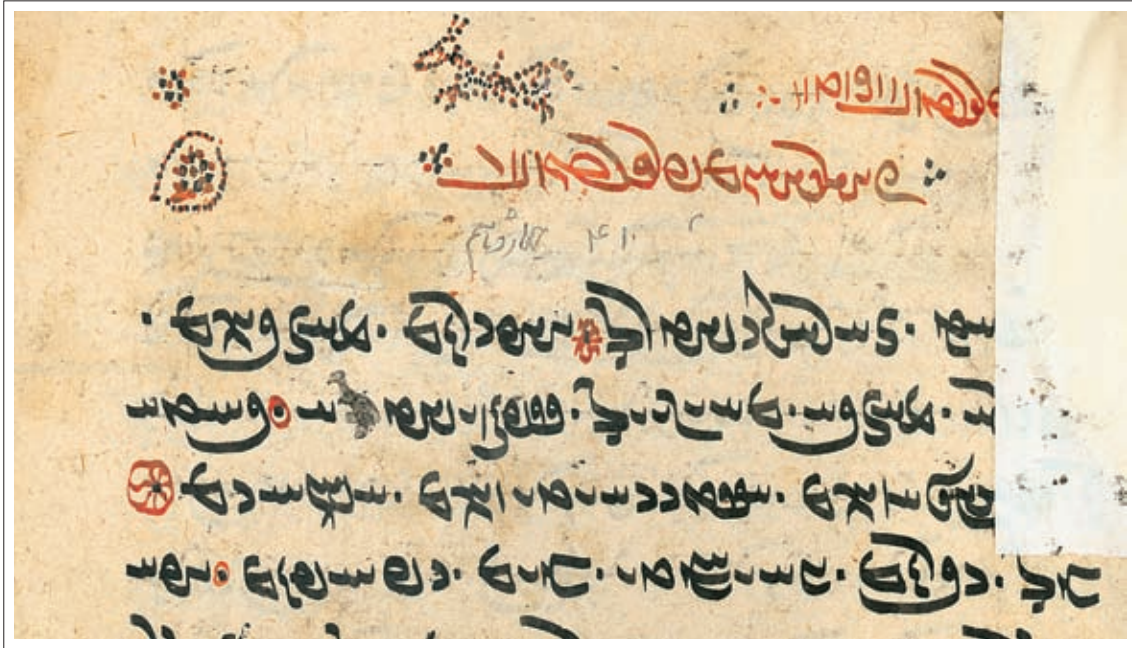
صفحة دوم یادگارنامه اول نسخه، گ ۱۶۷ر.



صفحة نخست یادگارنامه دوم نسخه، گ ۲۹۹ ب.



صفحة دوم یادگارنامه دوم نسخه، گ ۳۰۰ ر.



نمونه‌ای از تزئینات نسخه، گ ۲۱۴ ر.

Nameh-ye Baharestan: vol. 10, 2009, ser. no. 15

**Vendidād of the Priest, Ravāniyān (dated 1632 A.D.)
(Avesta 1001)**

Dr. Katayoun MAZDAPOUR
(Institute for Humanities and Cultural Studies)

The present paper describes a manuscript of the *Vendidād*, belonging to the priest, Rostam Khodāmōrād Ravāniyān (1929 - 2003). The scribe of this manuscript has mentioned its content as: "Yašt, Visperad, Jud-Devdād with Nērang, the type prepare for Yazešn". This same content is also mentioned in the colophons of the Avesta manuscript of 1607 A.D., which belongs to the Central Library of Tehran University (no. 11263), and also of the *Vendidād* codex number 262288 of the Āstān-e Qods. It is clear that all three of these codices belong to the same type.

Following the copying tradition seen in inscribing a number of other Avestan manuscripts, the codex has two colophons with two different dates: The first, 1632 A.D. is inscribed at the end of the first part of the manuscript, and the second, 1633 A.D. is placed at its very end.

The scribe of this manuscript may be identified as Fareydūn son of Gōbad-Shāh, son of Rostam, son of Fareydūn, son of Gōbad-Shāh, son of Bondār, son of Shahmardān, son of Dīnayār.

The paper discusses the possibility that this scribe may be related to the two brothers who copied the *Vendidād* codices mentioned above; namely, to Fareydūn-e Marzbān and Bahrām-e Marzbān. A consideration of the colophons of these manuscripts shows that these three manuscripts are not derived from the same archetype; and that while the sons of Marzbān depended on the same archetype-probably a manuscript belonging to their family, Fareydūn son of Gōbad-Shāh relied on a different archetype. The colophon of this codex also shows that it was commissioned by a powerful or wealthy patron by the name of Ardashīr son of Mehrābān Farra (?) Siyāvosh.